

مبنا و چگونگی راهبردهای تصمیم‌سازی و اقدام در عرصه سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی(ره)

محمد محمودی کیا^۱
محمدحسین جمشیدی^۲

چکیده

بررسی نحوه کنش سیاست خارجی و نیز چگونگی تصمیم‌سازی و انتخاب بدیل‌های آن از سوی رهبران، سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان همواره بخشی مهمی از مطالعات حوزه سیاست خارجی را به خود اختصاص داده است. بر این مبنا، این پژوهش با هدف بررسی راهبردهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره) در ابعاد اعمالی و اعلانی در پی پاسخ دادن به این پرسش است که در دیدگاه امام خمینی(ره)، اتخاذ تصمیم در حوزه سیاست خارجی چگونه و بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ در پاسخ، یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که راهبردهای امام خمینی(ره) در حوزه سیاست خارجی همچون تکلیف‌گرایی، جهان اسلام‌گرایی، سلطه‌ستیزی، ضدهژمونیک‌گرایی، عدم تعهدگرایی جهانی و عدالت‌طلبی ریشه در ماهیت الهی و متعالی اندیشه سیاسی ایشان و ملهم از آموزه‌های ساختاری فرهنگ دینی اتخاذ شده است که در نتیجه همین امر، کلیه سمت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه ایشان نسبت به حوزه سیاست خارجی متأثر از ارزش‌های درونی و بن‌نگرش‌های فلسفی- اخلاقی اندیشه او بوده و آنچه به‌عنوان مبنا به تصمیم‌گیری و کنش بازیگران در عرصه سیاست خارجی شکل می‌بخشد، اصل مسئولیت و تکالیف انسانی- الهی فرد انسانی است.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، امام خمینی(ره)، راهبرد، تصمیم‌سازی، مبنا

Email: mmahmoudikia@yahoo.com

۱- استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (نویسنده
مسئول)

Email: jamshidi@modares.ac.ir

۲- استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

تلاش برای فهم رفتار سیاست خارجی رهبران، تصمیم‌گیرندگان و تدبیرپردازان سیاست خارجی همواره یکی از مسائل مورد بحث در بین عالمان و محققان این حوزه بوده است؛ چنانچه شناخت صحیح منابع و چارچوب‌های تصمیم‌ساز رهبران این امکان را برای پژوهشگران فراهم می‌سازد تا به بررسی رفتار احتمالی آنها در مواضع مشابه نائل آیند. از این‌رو، با تجزیه و تحلیل هر آنچه در قالب راهبردهای اعلامی (همچون برنامه‌های اقدام و یا تصمیمات اجرایی) و یا راهبردهای اعلانی (بیان مواضع و دیدگاه‌ها) در حوزه سیاست خارجی ابراز می‌گردد، می‌توان به مبانی، شاخص‌ها و موازین تعیین‌کنندگی در نحوه تصمیم‌سازی و تنظیم رفتار سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل دست‌یافت و بر همین اساس، امکان پیش‌بینی رفتار بازیگران در موقعیت‌های مشابه فراهم می‌شود.

لذا، با عنایت به نقش و تأثیر امام خمینی(ره) در تأسیس یک نظام اسلامی و پی‌ریزی اصول و مبانی رفتاری متمایز از الگوهای رفتاری موجود در حوزه عمل سیاسی و بالتبع سیاست خارجی و تأکید او بر ضرورت کاربست رویکردی ارزشی - انتقادی در حوزه سیاست خارجی، این تحقیق درصدد است تا با ارائه تحلیلی بر چگونگی راهبردهای اعلانی و اعمالی امام خمینی(ره) در حوزه سیاست خارجی، به بررسی مبانی و عناصر اصلی تعیین‌کننده رفتار سیاست خارجی از منظر ایشان بپردازد.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) به شکل‌گیری الگوی جدیدی از سمت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه در محیط داخلی و نیز در عرصه تنظیم روابط خارجی کشور منجر گردید که بازتاب‌های متفاوت و گاه مخالفی را نیز در سطح نظام بین‌الملل به دنبال داشت؛ از این منظر، مباحثی چون ظالمانه دانستن نظم و نظام بین‌المللی موجود و انتقاد از آن، تلاش برای ارائه بدیل مناسبی برای آن، تأکید بر ویژگی‌های هنجاری و ارزش‌محور در عرصه کنش خارجی، همگی دال بر ظهور و بروز نگرشی متمایز در حوزه راهبردهای اعمالی و اعلانی نسبت به گفتمان حاکم و نظم موجود بین‌المللی است. از همین منظر، انقلاب اسلامی ایران و گفتمان عدالت‌خواهانه، سلطه‌ستیزانه و استکبارستیزانه آن، نظم بین‌المللی لیبرالی موجود را برنتابیده و در ابعاد فرا نظری، اصول و مفروضات ساختاری، هنجاری و نهادی آن را به چالش کشیده است.

از این منظر، آنچه بیش‌ازپیش در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(ره) مورد توجه قرار می‌گیرد، حضور پررنگ ارزش‌ها و هنجارها در نحوه مواجهه ایشان با فرآیندها، ساختار و ارزش‌های حاکم بر روابط بین‌الملل معاصر است. به بیانی دیگر، ایشان با تکیه بر ارزش‌ها و مبانی فرا نظری متمایزی از رهیافت‌های سنتی روابط بین‌الملل، به ارائه الگوی نوینی از رهیافت نظری در حوزه رفتار و عمل سیاست خارجی دولت اسلامی پرداخته‌اند. بر این مبنا، این پژوهش که درصدد ارائه تبیین مناسبی برای راهبردهای تصمیم‌سازی و اقدام در عرصه سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره) است، در پی پاسخگویی به این پرسش است که مبنا و اساس راهبردهای امام خمینی(ره) در عرصه تصمیم و اقدام در سیاست خارجی چیست و این راهبردها چگونه تحقق می‌یابند؟ فرضیه مورد نظر در پاسخ به این سؤال بیانگر این است که راهبردهای امام خمینی(ره) در حوزه

سیاست خارجی همچون تکلیف‌گرایی، امت‌گرایی، سلطه‌ستیزی، ضدهژمونیک‌گرایی، عدم تعهدگرایی جهانی و عدالت‌طلبی ملهم از آموزه‌های ساختاری فرهنگ دینی، ارزش‌های درونی و نگرش فلسفی- اخلاقی اندیشه ایشان بوده و لذا مبتنی بر اصل مسئولیت‌پذیری الهی انسان است. با نگاهی به موضوعاتی چون محدودیت‌های نظری تحلیل رفتار سیاست خارجی امام خمینی(ره)، نوع نگرش ایشان نسبت به بازیگران نظام بین‌الملل و در نتیجه، منطقی و راهبردهای اقدام در عرصه سیاست خارجی تنظیم شده است.

رویکرد امام خمینی(ره) به سیاست خارجی: ارزشی - اخلاقی و انتقادی

راهبردهای اعمالی و اعلانی امام خمینی(ره) در حوزه سیاست خارجی متأثر از باورهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی ایشان بر اصول و مفروضات هنجارگرا، ارزشی و اخلاق‌محور بنیان یافته است که توجه به این ویژگی برای دستیابی به درک درستی از علل و انگیزه رویکردهای سیاست خارجی ایشان حائز اهمیت است. بدین منظور به بررسی این ویژگی‌ها در دو بعد هنجاری و انتقادی می‌پردازیم.

۱- وجه ارزشی - اخلاقی نظریه سیاست خارجی امام خمینی(ره)

هنجارگرایی سیاست خارجی بر اساس شاخص‌ها و نشانه‌های مختلفی مورد ارزیابی و توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، می‌توان پیوندهایی بین سیاست خارجی هنجارگرا و مؤلفه‌های ایدئولوژیک، ادراکی و رفتاری کشورها را مورد ملاحظه قرار داد. به‌عنوان مثال، در خصوص مؤلفه‌های ایدئولوژیک، کشورهای انقلابی، از آمادگی بیشتری برای بهره‌گیری از قالب‌های ادراکی- هنجاری در رفتار سیاسی و سیاست خارجی برخوردار هستند. ابراهیم متقی با اشاره به استدلال برنارد لوئیس مبنی بر «ویژگی ذاتی انقلاب‌ها در نقد وضعیت گذشته و نیز تبیین آرمان‌های آینده» (لوئیس، ۱۳۷۸: ۲۶)، تصریح می‌کند که «تمامی انقلاب‌های سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به فضای مسلط در سیاست بین‌الملل که دارای رویکرد محدودکننده و بازدارنده بوده، واکنش نشان داده‌اند. لذا، انقلاب‌های سیاسی نه تنها درصدد تغییر در هنجارها و ساختار داخلی هستند، بلکه تلاش دارند تا قالب‌های ادراکی و راهبردی در محیط منطقه‌ای را نیز با تغییراتی همراه سازند» (متقی، ۱۳۸۹: ۱۹۲-۱۹۰).

همچنین، دیدگاه هنجاری و اخلاقی هر اندیشمندی، از لحاظ منطقی باید در هماهنگی با منظومه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی او باشد. دیدگاه اخلاقی در حکمت عملی، راهنمای اعمال و رفتار انسان است، ولی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در حیطه حکمت نظری، معیار نگرش و بینش انسان است. به‌طور کلی، بررسی آثار امام خمینی(ره) بیان‌کننده این است که دیدگاه‌های اخلاقی و ارزشی امام(ره)، ناشی از نگرش او به هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی‌اش است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۸۴-۱۸۲). بر همین مبنا، دهقانی فیروزآبادی سمت‌گیری هنجاری سیاست خارجی امام خمینی(ره) را تحت تأثیر قواعد کنش هنجاری ناشی از معرفت‌شناسی اسلامی دانسته و بر این اساس استدلال می‌کند با توجه به

ارزش و مرجعیت عقل، شهود و وحی در معرفت‌شناسی اسلامی و عدم انحصار معرفت به علم تجربی و حسی، گزاره‌های هنجاری، ارزشی، متافیزیکی و دینی نیز معنادار بوده و ارزش علمی - معرفتی پیدا می‌کنند. در نتیجه، رویکرد و نظریه اسلامی و دین‌محور به سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از خصلتی هنجاری و تجویزگرایانه برخوردار است؛ چنان‌چه این رویکرد، به‌منظور تقارب واقعیت انضمامی با هنجار مورد نظر و مطلوب، هنجارهای وجودی و قواعد اخلاقی را برای کنش بین‌المللی تدوین و توجیه می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ب: ۸۴-۴۶)؛ از سوی دیگر باید دانست که هر نظریه جامع و همه‌جانبه در عرصه سیاست خارجی دارای دو بعد هنجاری و توصیفی است، هرچند در نگرش‌های دین‌مدار بدون تردید بعد هنجاری تعیین‌کننده‌تر است و اگر بعد توصیفی مبتنی بر واقعیت است، بعد هنجاری مبتنی بر جهان‌نگری و معرفت‌شناسی خاص دیدگاهی است؛ بنابراین، در اندیشه امام خمینی(ره)، مهم‌ترین عامل و متغیر مستقلی که رفتار سیاست خارجی را تعیین می‌کند، جهان‌بینی ارزشی است که تعیین‌کننده هنجارهای اجتماعی ملی و فراملی است که هر جامعه‌ای با آن مواجه است.

۲- وجه انتقادی نظریه سیاست خارجی امام خمینی(ره)

از سوی دیگر، بررسی ماهیت انقلاب اسلامی ایران و نیز دیدگاه‌های امام خمینی(ره) درباره سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نشان‌دهنده آن است که انقلاب ایران در زمره رویکردهای انتقادی سیاست خارجی قرار می‌گیرد. اگرچه انقلاب اسلامی ایران در چارچوب ارائه یک نظریه روابط بین‌المللی ظاهر نشد، ولی مؤلفه‌های فکری و نظری مطرح‌شده در آن نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین ویژگی این انقلاب، دعوی تغییر و دگرگونی در نظم بین‌المللی است. لذا، گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی از این منظر که با رهیافتی انتقادی و با نگاه بیرونی به دنبال طرح مباحث نظری و ارائه ادبیات جدیدی در روابط بین‌الملل بود، افق نوینی را در مطالعات نظری و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مطرح کرده است (جوادی ارجمند و حق‌گو، ۱۳۹۰: ۱۱۰). چنانچه از منظر امام خمینی(ره)، ایران اسلامی رهبری اردوگاه جدیدی از سلطه‌ستیزان را برعهده‌گرفته که در تقابل با نظام سلطه غرب‌محور است، به‌گونه‌ای که روابط بین‌الملل را بر پایه‌های جدید استوار می‌کند که چه از نظر ساختاری و چه از نظر محتوایی و مفهومی با آنچه تاکنون در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل رایج بوده است، شباهتی ندارد (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۱-۲۹).

لذا، با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹م. - ۱۳۵۷ ه. ش) به رهبری امام خمینی(ره)، شاهد طرح گسترده مباحث انتقادی نسبت به نظم و نظام موجود بین‌المللی هستیم، به‌نحوی که ایشان با تکیه بر آموزه‌های الهی، بسیاری از مفروضات، اصول و کارکردهای نظام بین‌المللی موجود را ناصواب، ناعادلانه و نیز ناقض حقوق و جایگاه انسان در نظام خلیفه‌اللهی بشر معرفی کرده و بر لزوم حاکمیت ارزش‌ها و هنجارهای متعالی در سیاست و روابط بین‌الملل تأکید می‌ورزیدند. به‌علاوه امام خمینی(ره) خود بُعد انتقادی نگرش خویش را نسبت به نظم بین‌المللی مطرح ساخته است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۷۹).

واقع‌نگری آرمان‌خواهانه به‌مثابه راهنمای تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی

منطق تصمیم‌سازی در سیاست خارجی، بسته به نوع اهدافی که آن بازیگر در نظام بین‌الملل دنبال می‌کند، متفاوت خواهد بود. به‌طور کلی کشورها در عرصه سیاست خارجی دو دسته از اهداف عام و خاص را دنبال می‌کنند. اهداف عام سیاست خارجی، همچون تأمین امنیت ملی، تأمین آزادی‌های مشروع برای همه شهروندان، تأمین رفاه اقتصادی شهروندان و رشد و توسعه اقتصادی جامعه، جلب احترام نسبت به ملت و فرهنگ جامعه در عرصه جهانی و نیز به دست آوردن جایگاه مناسب و همسنگ با ظرفیت‌های کشور در سطح بین‌المللی، اهدافی هستند که در همه کشورها و فارغ از نوع نظام‌های سیاسی و خارج از چارچوب زمانی در کانون عملیات سیاست خارجی بوده و هیچ کشوری نمی‌تواند آن اهداف را دنبال نکند. از سوی دیگر، اهداف خاص سیاست خارجی گاه مربوط به ماهیت حکومت است، مثل دولت اسلامی، دولت ایدئولوژیک، یا دولت قومی یا دولت سلطه‌گر یا دولت وابسته و امثال این‌ها و گاهی نیز محدود به زمان، مکان، منطقه و موضوع خاصی می‌شود. بدین ترتیب، اهداف عام، راهنمای عمل سیاست خارجی بوده و هر کشور با توجه به آن، اهداف مشخصی را در محدوده‌های خاص ارزشی، زمانی، مکانی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی خود طراحی و اجرا می‌کند (روحانی، ۱۳۹۱: ۳۸).

سیاست خارجی هر جامعه‌ای دارای قواعد و شاخص‌هایی است که به‌عنوان اصول راهنما در رفتارهای بین‌المللی تلقی می‌گردد. بر اساس این شاخص‌ها، دستگاه‌ها و ابزارهای سیاست خارجی کشورها در عرصه سیاست خارجی آنان متفاوت است اما به دلیل آنکه بر مسائل و رفتار سایر واحدهای سیاسی تأثیر بر جای می‌گذارند، با یکدیگر تشابه دارند. در واقع، هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را در چیتی تنظیم می‌کند که سرانجام، خواست‌ها و نیازهای امنیتی، راهبردی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش را در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تأمین کند (قوام، ۱۳۸۰: ۱۰۸). لذا، بر اساس چگونگی شکل‌گیری تعاملات سیاست خارجی و نوع کنش متقابل بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل، الگوهای رفتاری کشورها از یکدیگر متمایز می‌گردد. الگوهای رفتاری بیان‌کننده اهداف، ابزارها و منافع ملی کشورها در عرصه سیاست خارجی است؛ بنابراین، اگر بر اساس تغییرات درون‌ساختی و یا بین‌المللی، اهداف و منافع ملی واحدهای سیاسی تغییر یابد، در آن صورت الگوهای رفتاری آنان نیز دگرگون خواهد شد (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

دیدگاه امام خمینی (ره) در باب سیاست خارجی از یک‌سو، بازتاب عینی اصول جهان‌بینی اسلامی است که در قالب ابرگفتمان انقلاب اسلامی و اصولی چون نه شرقی - نه غربی، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی، حمایت از مستضعفان در هر نقطه از جهان، نفی ستمگری، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بازتاب می‌یابد و از سوی دیگر تحت تأثیر شاخص‌های فرهنگی ایرانی - اسلامی و نگرش مدرن و همچنین ساختارهای سیاسی - اجتماعی قرار دارد که در نگرش و جهت‌گیری کارگزاران و نخبگان سیاست خارجی، تأثیرگذار است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل رویکرد جنبشی و فرا دولتی آن در تقابل با محیط واقع‌گرایانه نظام بین‌الملل و نیز گفتمان‌های درونی متفاوت سیاست خارجی، در چالش با دو نگرش رایج آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی قرار گرفته و در دوره‌های متفاوت سیاست خارجی خود رویکرد نوسانی میان پراگماتیسم و ایدئالیسم داشته است. با این همه، ماهیت گفتمان هویت انقلاب اسلامی به‌عنوان

جنبشی در حال گذار مبنی بر جهان‌بینی اسلامی، سبب شده است تنها بر پایه محاسبات عقلانی سود و زیان مادی قابل تبیین نباشد، بلکه رفتار سیاست خارجی را می‌توان بر اساس نقش گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در ساخت و بازتولید اهداف و منافع ملی ایران در شرایط مختلف تبیین کرد (کاکایی و سالاری، ۱۳۹۲: ۱).

با نگاهی به اندیشه و سیره عملی امام خمینی(ره) می‌توان تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را در رویکرد کلی ایشان در زمینه سیاست خارجی مشاهده کرد. تأیید اقدام دانشجویان خط امام در تسخیر سفارت‌خانه آمریکا، تأکید بر ضرورت جهاد در دفاع مقدس و تلقی آن به‌عنوان وظیفه و تکلیف همگانی بدون توجه به نتایج آن، صدور فتوای ارتداد سلمان رشدی، تأکید بر حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و... حکایت از آرمان‌گرایی امام خمینی(ره) دارد، هرچند از واقعیات رنج‌آوری که این تصمیمات نتیجه آن‌هاست نیز به دور نمی‌باشد. از طرف دیگر، عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و تنفیذ نظر مجلس در خصوص عدم کفایت سیاسی وی برای ادامه فعالیت در پست ریاست جمهوری، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توییح ۹ نماینده مجلس شورای اسلامی که در مورد ماجرای مک فارلین موسوم به ایران کنترا یا ایران گیت از وزیر امور خارجه وقت سؤال کرده بودند و... حاکی از رویکرد واقع‌بینانه ایشان است که این نیز از آرمان‌گرایی او جدا نیست؛ بنابراین، آنچه از تدبیر در اقوال و اعمال امام خمینی(ره) برمی‌آید آن است که ایشان «آرمان‌گرایی واقع‌بین» بودند و حتی در مواردی که به‌ظاهر تصمیمات و اقدامات حاکی از آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی ایشان است، صبغه‌هایی از دو رویکرد ملاحظه می‌شود (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۴۱).

این الگو از آن لحاظ که تأثیر مستقیمی بر اهداف و منافع از یک‌سو و شیوه‌ها، ابزارها و روش‌ها از سوی دیگر در سیاست خارجی می‌گذارد، به‌نوعی تجلی‌بخش «نظریه وحدت در عین کثرت» است، یعنی روش‌های متعدد در خدمت ارزشی واحد قرار می‌گیرد و اخلاق‌گرایی و قانون‌گذاری در راستای قدرت و منافع ملی واقع می‌شود. این الگو که بر انگاره‌هایی از قبیل مصلحت‌اندیشی، امتزاج حقیقت و واقعیت، تلفیق ژئواستراتژی و ایدئواستراتژی، پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی، مذاکره و اقتناع در عین انذار و ارباب، شیوه‌های مسالمت‌آمیز و قهرآمیز، ابزارهای جاذبه‌ای و دافعه‌ای، قدرت معنوی و مادی و نیز قدرت ذهنی و عینی و همچنین اهداف ملی و فراملی و نیز نهادگرایی استوار است (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۳۶).

حسن روحانی از همین منظر، ولی با بیانی متفاوت، الگوی سیاست خارجی امام خمینی(ره) را الگوی واقع‌نگر آرمان‌خواه می‌داند. بر این اساس، این الگو نوعی نهادگرایی است که ضمن تأکید بر صلح‌گرایی نهادینه، بهره‌گیری از قدرت در راستای منافع بشریت، تحقق حقیقت و توجه به کرامت انسانی را مورد تأکید قرار می‌دهد و لذا می‌توان گفت که الگوی مورد نظر او دو بُعدی است، نه اینکه دارای دو رویکرد باشد. این الگو را می‌توان از سه منظر «بینش فکری و اعتقادی»، «نحوه نگرش به ساختار نظام بین‌الملل» و «نوع نگاه به کارکرد دولت-ملت در سیاست خارجی» مورد بررسی قرار داد (روحانی، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۸).

از منظر «بینش فکری و اعتقادی»، این الگو با تمایز میان فطرت، طبیعت و غریزه در ذات بشر، بر کارکرد سیاست به‌عنوان هنر ممکن کردن ضروریات، پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی و نیز بر کنش متقابل دولت-ملت و نظام بین‌الملل تأکید دارد. این مؤلفه در افق گفتمانی امام خمینی(ره) به‌صورت «تعامل عزتمند با جهان» ظاهر می‌شود. از منظر «نحوه نگرش به ساختار نظام بین‌الملل»، این

الگو قائل به وجود ساختار همکاری‌جویانه در روابط بین‌الملل است و در عین حال توسل به جنگ و اعمال قدرت برای دفاع از جان، مال، ناموس، آزادی و استقلال مردم را وظیفه اصلی می‌داند. این مؤلفه در افق گفتمانی احیاگرانه امام(ره) در قالب «بازدارندگی و دفاع وظیفه‌محور» ظهور می‌یابد. همچنین این الگو شامل بینش کنفدرالیستی راجع به رابطه دولت-ملت و نظام بین‌الملل است.

ویژگی آرمان‌گرایانه امام خمینی(ره) در عرصه سیاست خارجی تا حد بسیار زیادی ناشی از جهان‌بینی دینی و اخلاقی-عرفانی ایشان است (جمشیدی، ۱۳۸۸). به‌طور کلی ایدئولوژی اسلامی به چند طریق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد و به آن شکل می‌دهد؛ نخست، این ایدئولوژی نقشی بسیار مهم در تعیین و تعریف هویت و نقش ملی ایران ایفا می‌کند. بر این اساس نقش‌های ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: مدافع اسلام و تشیع، عامل ضد امپریالیسم یا ضد استکبار، ضد صهیونیست، سنگر انقلاب یا رهایی‌بخش، حامی مستضعفین، دولت سرمشق یا دولت تجدیدنظرطلب. دوم، ایدئولوژی اسلامی از طریق تعیین هویت و نقش ملی جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی آن را تعیین می‌کند و به آن شکل می‌دهد؛ زیرا نقش ملی ایران، بازتاب‌دهنده هنجارها و انتظارات مبتنی بر ارزش‌هایی است که هویت ملی آن را می‌سازند و کشور خود را متعهد به رعایت آن می‌داند؛ بنابراین، جمهوری اسلامی دارای منافع و اهداف دینی و اسلامی است، مانند حفظ موجودیت اسلام و تشیع، حفظ ارزش‌های دینی و انقلابی، دفاع از مسلمانان، عدالت و مبارزه با ظلم، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، نفی استعمار و استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان و مظلومان. سوم، ایدئولوژی اسلامی، قالب فکری خاص را پدید می‌آورد که واقعیت‌ها، پیامدها و اشارات محیط خارجی و سایر کشورها در چارچوب آن معنا، تفسیر و تعبیر می‌شوند. چهارم، ایدئولوژی اسلامی با تعیین مراحل اصلی تحول تاریخی و تکامل اجتماعی-سیاسی، تصویری خاص از وضعیت حال و آینده جهان ارائه می‌دهد که بر اساس آن، چشم‌انداز و افق معینی برای کشور تصویر می‌شود. در چارچوب این چشم‌انداز، راهبردها و جهت‌گیری‌های کلی و خاص هر مرحله و مقطع زمانی نیز مشخص می‌گردد. پنجم، ایدئولوژی اسلامی، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاصی را برای قضاوت و داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای جمهوری اسلامی و سایر کشورها ایجاد و تعیین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ب: ۹۲-۸۹).

یکی دیگر از وجوه هنجاری الگوی سیاست خارجی امام خمینی(ره)، تکلیف‌گرایی است. در اندیشه امام خمینی(ره) عمل بر اساس اصل تکلیف و وظیفه الهی-انسانی فرد نسبت به جامعه است (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۶-۸). از این منظر رفتارهای سیاسی یا معطوف به تکلیف هستند و یا معطوف به قدرت؛ در رویکرد نخست، اعتقاد، اصل و اساس انجام‌وظیفه و تکلیف مبتنی بر مکتب است و کسب قدرت فرع می‌باشد؛ اما در نگرش دوم، کسب و گسترش قدرت، محور و مدار رفتارهای سیاسی است. در دیدگاه نخست، شکست و پیروزی در درجه دوم اهمیت قرار دارد و مهم انجام تکلیف است، ولی در نگاه دوم، نتیجه تصمیم و اقدام سیاسی در اولویت قرار دارد و رفتار سیاسی بر مبنای آن تنظیم می‌شود. تکلیف‌گرایان رفتارهای سیاسی را فراتر از محاسبات علوم دقیقه می‌سنجند، اما قدرت‌گرایان آنها را به‌صورت واقع‌گرایانه محاسبه می‌کنند؛ تکلیف‌گرایان

اسلامی رفتارشان بر اجتهاد و معیارهای مذهبی و در نظر گرفتن مصلحت اسلام و مسلمین مبتنی است و در این راستا، نیز به تعلیم، تربیت و آگاه کردن امت به عبارتی هم‌فکرسازی در جامعه مؤمنین معتقد هستند؛ اما قدرت‌گرایان برای دستیابی به نتیجه مطمئن‌تر، رفتارشان را با تکیه به واقعیات فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خواست عمومی سازمان‌دهی می‌کنند (توحیدی، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۷). از این‌رو، یکی از مؤلفه‌های اصلی و زیربنایی در سیاست خارجی از منظر امام خمینی(ره)، اصل «تکلیف‌گرایی» و «عمل به تکلیف» است. تصمیم‌گیری بر پایه تکلیف، بر دو پایه «موضوع‌شناسی» و «حکم‌شناسی» استوار است. گام اول، شناخت موضوعات، پدیده‌ها، رخدادها و واقعیات سیاسی و تحلیل دقیق آنها و گام دوم، شناخت حکم مناسب آن پدیده و موضوع است؛ به عبارت دیگر، احکام تابع موضوعات است که مناسب با آن تغییر می‌کند (برزگر، ۱۳۷۳: ۱۸).

بر این اساس، حکومت اسلامی بر مقتضای اصل «تکلیف‌گرایی» نه تنها از حوزه‌های عقلانی سیاست به دور نمی‌شود، بلکه برون‌رفت تازه‌ای برای وضعیت‌های پیچیده و دشوار می‌یابد که در آن، با اتکا به وعده‌های حق الهی، می‌تواند از عهده ادای وظایف خویش و تأمین بیشترین سهم از منافع کشور برآید. به همین دلیل است که آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه اصول‌گرایانه امام خمینی(ره) جمع می‌شود و در نتیجه سیاستی دین‌مدارانه و کارآمد در عرصه سیاست خارجی پدید می‌آید که در آن، هم‌جانب تکلیف و هم‌جانب اهداف، به صورت توأمان، نگاه داشته شده است (افتخاری، ۱۳۸۶). امام(ره) در این خصوص چنین تصریح می‌نماید که: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم... ما مکلفیم از طرف خدای تبارک‌وتعالی که با ظلم مقابله کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۲۲)؛ همچنین می‌فرماید:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۱).

ترجمان عملی و بازتاب این اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به صورت دفاع از مسلمانان و حقوق آنان، حمایت از مستضعفان و پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش تجلی یافته است. اگرچه معنا، مفهوم و شیوه‌های اجرا و پیگیری این اهداف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی دستخوش دگرگونی و دگردیسی شده است، ولی این اهداف همچنان به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استمرار و تداوم دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۱۷). این الگوهای رفتاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس وظیفه‌ای صورت می‌گیرد که قانون اساسی بر عهده این نظام گذاشته است: «جمهوری اسلامی ایران ... از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند»؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران خود جنبش و «حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین» بود. از این‌رو، باید تدوین و «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس ... حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» باشد.

راهبردهای تصمیم‌سازی و اقدام در الگوی عملی سیاست خارجی امام خمینی(ره)

۱- راهبرد صدور انقلاب (راهبرد دعوت)

یکی از مواردی که امهات اندیشه سیاست خارجی امام خمینی(ره) به روشنی در آن انعکاس یافته، اصولی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیرامون این موضوع تدوین شده و به تصویب آرای عمومی مردم نیز رسیده است. بر این اساس، از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه موازین شرعی و اسلامی تدوین شده و چون اسلام مقوله‌ای جهان‌شمول است و به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، قانون اساسی نیز توجهی ویژه به مسائل خارج از مرزها کرده و اهداف و رسالت جهانی اسلام در آن به‌نحو بارزی نشان داده شده و صدور انقلاب به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده و در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۰). در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج فراهم می‌کند. به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل بار دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار و مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (قانون اساسی: مقدمه).

بر همین مبنا، از نظر روح‌الله رضوانی یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب که به‌شدت متأثر از اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) بود، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است. در حقیقت، قانون اساسی جدید ایران به‌وضوح نشانگر وجه اسلامی سیاست خارجی پویا و مبارزه‌جویانه است که هدفش اتحاد دنیای اسلام و گسترش حاکمیت خداوندی در روی زمین است (رضوانی، ۱۳۸۸، ب: ۴۷).

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، انقلاب ایران یک انقلاب اسلامی است که منحصر به ایران نیست و متعلق به همه مسلمانان بلکه متعلق به همه جهانیان و لذا انقلابی جهانی است. این درک جهان‌شمول از اسلام و انقلاب در بیانات ایشان به‌وضوح پیداست. «ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامی‌مان را به جهان صادر کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۵). «باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست، به دنیا معرفی نماییم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۲۱). صدور انقلاب در اندیشه امام خمینی(ره) یک وظیفه دینی و انقلابی به‌شمار می‌آید و در صورتی موفق خواهد شد که بتواند در داخل نیز یک الگوی موفق تدارک دیده که به‌عنوان نمونه تلقی شود. ایشان صدور انقلاب را در درجه نخست به‌عنوان خصلت ذاتی یا اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی معرفی می‌نمایند. از طرفی دیگر، صدور انقلاب را یک تکلیف در راستای احساس حاکمیت اسلام و احکام تعالی‌بخش آن در داخل کشور می‌دانستند (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۰-۶۹).

امام خمینی(ره)، ماهیت متقدم در امر صدور انقلاب ایران را ماهیت اخلاقی آن دانسته (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۸۸) و معتقد است آنچه از انقلاب ایران صادر می‌شود، طرح‌هایی برای تغییرات سیاسی نیست، بلکه پرسش اخلاقی درباره دلیل استمرار نظم موجود جهانی است. لذا، اینکه چرا ظلم و بی‌عدالتی باید وجود داشته باشد، پرسشی از حقانیت و اخلاقی بودن نظم موجود امور است (طاهایی، ۱۳۸۸: ۹۵). در واقع، صدور انقلاب همواره به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده که با الهام‌گیری از آموزه‌های اصیل اسلامی، در پی رهایی مظلومان از بند استکبار و نفی سلطه طاغوت است (ملکی، ۱۳۸۵: ۶۸). بر همین اساس، امام خمینی(ره) کم‌کردن نفوذ سلطه‌طلبان را یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌کند و بر همین مبنا، هدف از صدور انقلاب را نیز، نجات و رهایی همه ملل تحت ظلم و از بین بردن ساختارهای ظالمانه در نظام بین‌الملل معرفی می‌کنند. در این رابطه می‌فرماید: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم‌کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم... ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم ... نظام‌هایی را که بر این سه‌پایه استوار گردیده‌اند را نابود کنیم و نظام اسلام رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۱).

همچنین از نظر امام خمینی(ره)، یکی از راهکارهای مبارزه با ساختارهای ظلم و بی‌عدالتی و نیز رهایی جهان از نیروهای فزون‌خواه ایده «صدور انقلاب» است. در واقع، صدور انقلاب را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که «به دلیل ماهیت جهان‌شمول دین اسلام، به‌نوعی متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران» است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

به‌طور کلی، در دیدگاه امام خمینی(ره) آرمان و ایده «صدور انقلاب» که متکی بر اصل دعوت اسلامی است، همواره به‌عنوان یکی از روش‌های ساختارستیزانه در سیاست خارجی مدنظر بوده و هدف اصلی او از این ایده، انتقال ارزش‌های جهان‌شمول انسانی است که با تکیه بر آن بتوان جوامع تحت ظلم را به رهایی رهنمون ساخت.

۲- راهبرد فراملی‌گرایی (بین‌الملل‌گرایی اسلامی)

مهم‌ترین ویژگی سیاست خارجی انقلاب‌ها از جمله انقلاب اسلامی ایران، فراملی‌گرایی به معنای پیگیری اهداف و آرمان‌هایی فراتر از منافع ملی صرف است؛ به‌گونه‌ای که کشورهای انقلابی، تجدیدنظر طلب بوده و برای تغییر نظم و نظام بین‌الملل موجود تلاش می‌کنند. لذا، اهداف فراملی این دسته از بازیگران تلاش دارد تا از منظری برون‌گفتمانی به متغیرهای محیطی خود بپردازد. این دسته از اهداف با نگاهی راهبردی، درصدد نیل به اهداف استراتژیک و بلندمدت است. در واقع، شالوده‌شکنی نظم و وضع موجود جهانی، کفرستیزی و محو نظام‌های مستکبر و الحادی در سطح بین‌الملل، ابتناء سیاست خارجی بر هنجارها و ارزش‌ها، ضرورت صدور

انقلاب اسلامی و حمایت از نهضت‌های ضد امپریالیستی جهان و جایگزین کردن واحد امت به جای دولت-ملت (از غندی، ۱۳۸۹: ۱۸۸)، در رأس اولویت‌ها و اهداف فرا سرزمینی امام خمینی (ره) قرار داشته است. لذا، می‌توان «فراملی‌گرایی انقلابی» را یکی از متغیرهای اصلی تعیین‌کننده تقابل جمهوری اسلامی با نظم محوری / امنیت محوری غیرعادلانه نظام بین‌الملل مفروض بگیریم. به باور فرد هالییدی، انقلاب اسلامی ایران حتی بیش از انقلاب‌های روسیه و فرانسه، فراملی‌گرا بوده و به تبع آن اهداف ایدئولوژیک و معطوف به بررسی نظم جهانی نیز از اولویت بیشتری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده است. رویکرد فراملی‌گرایی یا جهان‌گرایی امام خمینی (ره) از نوع انقلاب‌های غیرفرقه‌ای و جهانی است و این منبعث از ماهیت نظری و ایدئولوژیک آن است که به علت جهان‌شمول بودن نمی‌تواند در مرزهای ملی محصور شود. الگوی جهان‌گرایی اسلامی بر سه پایه استوار است؛ رکن نخست این الگو، تحقق حکومت اسلامی در سطح ملی؛ رکن دوم، تحقق وحدت اسلامی در سطح جهان اسلام و در نهایت تشکیل جامعه جهانی اسلامی واحد؛ و رکن سوم، تلاش برای تغییر نظم و نظام مبتنی بر واحد سیاسی دولت - ملت برای استقرار نظم و نظام مطلوب و عادلانه اسلامی در سطح جهانی است (پروانه، ۱۳۸۸).

از دیدگاه امام خمینی (ره) مهم‌ترین دستور کار سیاست خارجی پس از تحقق و استقرار حکومت اسلامی، تلاش برای همگرایی و وحدت میان کشورهای اسلامی است. از نظرگاه ایشان این مهم نه یک مقوله انتزاعی، بلکه یک ضرورت کاربردی است که سیاست خارجی کشور موظف به پیگیری و تحقق آن است (افتخاری، ۱۳۸۶). چنانچه می‌فرماید: «برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان». از این منظر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در راه تشکیل امت واحد اسلامی تلاش نماید. چنانچه این موضوع در اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصریح شده است که با استناد «به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَدْعُونَ» (ان‌انبیاء: ۹۲) و «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (القصص: ۵) دارد.

تصریح ایده‌هایی چون «ملت واحد جهانی» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۲۰؛ ج ۱۰: ۴۸۵) یا «غلبه مستضعفین بر مستکبرین» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۱۵؛ ج ۶: ۴۵۷) ریشه در آموزه‌های دینی^۲ حاکم بر ذهن نظریه‌پردازان اسلام‌گرای انقلاب دارد که به‌ویژه از سوی امام خمینی (ره) مورد تأکید قرار گرفته است. در این چارچوب نه نظام متشکل از دولت-ملت‌ها و نه اشکال قدرت‌محورانه نظام بین‌الملل و نه حتی

۱. این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید (الانبیاء: ۹۲)

۲. اشاره به آیات شریفه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَدْعُونَ» (الانبیاء: ۹۲) و «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (القصص: ۵) دارد.

ساختار آنارشیستیک حاکم بر نظام بین‌الملل، هیچ‌کدام مشروعیت ندارد و باید به‌صورت ریشه‌ای تغییر یابند. نکته مهم‌تر این باور است که چنین تغییری امکان‌پذیر بوده و جمهوری اسلامی ایران در مقام کارگزار می‌تواند با حمایت از مستضعفین (متغیر مستقل) به پیروزی آنها و تشکیل امت واحد جهانی (متغیر وابسته) کمک کند (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴).

در واقع، هدف غایی و راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از طرح و پیگیری ایده فراملی‌گرایی، تشکیل جامعه واحد جهانی اسلام است. در حقیقت اهداف دیگر زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده تحقق این هدف بلندمدت است. لذا، رسالت جهانی و جهان‌شمول اسلام ایجاب می‌کند که اسلام به همه انسان‌ها عرضه شود و با پذیرش آن یک جامعه جهانی اسلامی واحد تشکیل شود. بر این اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی صراحتاً به این هدف و آرمان اسلامی تأکید شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹ الف: ۱۷۰-۱۶۹). مقدمه قانون اساسی بیان می‌دارد که این قانون به‌عنوان اصول کلی حاکم بر جمهوری اسلامی «با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تلازم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (این هذمه‌آهنگتکم‌آهنگه‌واحدده‌وان‌ربطکم فباعبدون) (الانبیاء: ۹۲) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد».

بنابراین، چنانچه اشاره شد، در دیدگاه امام خمینی(ره)، یکی از اصول مهم و تعیین‌کننده در سیاست خارجی تلاش برای ایجاد اتحاد و وحدت بین کشورهای اسلامی است که بتواند با اتکا به ارزش‌های اسلامی به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار در نظام بین‌الملل ایفای نقش کند. لذا، هرچه سیاست خارجی به‌مقتضای اصل صلح‌گرایی به مشارکت جهانی می‌اندیشد، در این میان بازیگران اسلام‌گرا از موقعیت منحصربه‌فردی برخوردارند و لذا تلاش برای شکل‌گیری یک اتحادیه در حوزه کشورهای اسلامی که بتواند در استقرار نظم عادلانه تأثیر محوری و اساسی داشته باشد، اولویت و اهمیت دوچندان می‌یابد. از همین رو، در دیدگاه امام خمینی(ره) اتحادیه کشورهای اسلامی نه یک مقوله انتزاعی، بلکه یک ضرورت کاربردی است که سیاست خارجی موظف به تحقق آن است (کاکایی و سالاری، ۱۳۹۲: ۵).

۳- راهبرد جهادی (ضد سلطه‌گرایی)

اساساً نظام‌های انقلابی به‌طور ماهوی در چالش و تعارض با قدرت‌های هژمون مسلط در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرند و این مسئله در مورد نظام‌های برآمده از انقلاب‌های بزرگ و دینی بیشتر مطرح است؛ زیرا جنبه تعارض و برخورد تقابلی آنها با نظم هژمونیک بین‌المللی و نظام مسلط، بیشتر است. به بیانی: «انقلاب‌های ملهم از قدرت نیروهای اجتماعی درونی، در پی شکستن هرگونه نظم تحمیلی از سوی قدرت‌های نظم‌ساز هستند» (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۳). از طرف دیگر، جوهر مفهوم رهایی در سیاست خارجی نیز بر رهایی از نابرابری‌های اجتماعی و الغای ساختارهای سلطه و سرکوب در عرصه روابط

بین‌الملل بنیان گذاشته شده است؛ چنانچه تجلی این اصل نیز مبارزه با ساختارها، کارگزاری‌ها و کارگزاران نظام بین‌المللی هژمونیک، در اصل ۱۵۲ قانون اساسی، «بر نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری» استوار گردیده است.

بر همین اساس، سیاست خارجی در حکومت اسلامی موظف است که با اصل «ظلم» و روابط ظالمانه در نظام بین‌الملل مقابله کند. معنای این اصل در سیاست خارجی آن است که: نخست، حکومت اسلامی نمی‌تواند در مقابل سیاست‌های ظالمانه سکوت پیشه کند، چنانچه امام(ره) می‌فرماید: «ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم... ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم». دوم، حکومت اسلامی خود نمی‌تواند مجری سیاست‌های مبتنی بر ظلم بر دیگران باشد. این معنا برآمده از آموزه‌های وحیانی است. امام خمینی(ره) بر اساس این منطق می‌فرماید: «ما آن‌طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۹۱). در نتیجه، ظلم و تجاوز و تعدی در قاموس فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد.

لذا، یکی از اهداف انقلاب اسلامی، مستنبط از احکام و مقررات بین‌المللی اسلام، نفی نظام سلطه و اتخاذ راهبرد طرد و نفی در برابر استعمار و استکبار و ترویج عدالت‌خواهی در سراسر جهان است. این امر درصدد ترویج و صدور ارزش‌های عدالت‌خواهانه و سلطه‌ستیزانه است. در نتیجه، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش، در واقع مکمل اصل استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی است؛ چراکه ارتباطی وجودی بین مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان وجود دارد؛ به زبان دیگر، «شیوه‌های استکبارستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهم‌ترین عامل استضعاف ملل هستند؛ و دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول ناآگاهی از یک‌طرف و خشونت ساختاری نظام سلطه از طرف دیگر است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، الف: ۱۳۳).

عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان در سیاست خارجی لازم، ولی غیر کافی است؛ بنابراین، جمهوری اسلامی علاوه بر بستن راه هرگونه سلطه و نفوذ، مکلف به مبارزه به استکبار، نظام سلطه، ظلم و بی‌عدالتی است؛ بنابراین، در اصول دوم و سوم قانون اساسی، آشکارا بر «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی»، «قسط و عدل»، نفی نظام سلطه و «طرد کامل استعمار» و استکبار تأکید شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ب: ۳۲-۱۳۱).

از منظر امام خمینی(ره)، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌گری از مبانی و ارکان عقلی و شرعی برخوردار است که بر اساس آن، این موضوع به یک تکلیف تبدیل می‌شود. به اعتقاد امام خمینی(ره) از نظر عقلی نمی‌توان «برای حیات زیر سلطه غیر، ارزشی قائل شد»، زیرا که به تعبیر ایشان «ارزش حیات به آزادی و استقلال است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۱۹). علاوه بر منطق عقلایی، به اعتقاد امام خمینی(ره)، وابستگی به قدرت‌های غارتگر استعماری و سلطه‌پذیری از آنها، مخالف نص قرآن کریم نیز است. چنانچه امام خمینی(ره) با استناد به این آیه قرآنی «لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تَهْتَظِمُونَ» (البقره: ۲۷۹) می‌فرماید: «دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید، نه زیر بار ظلم بروید. انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن

از ظلم کمتر نیست. انظلام به خود ظلم کردن است. به یک ملت ظلم کردن است. ظلم هم از همین قماش است. هر دویس در اسلام ممنوع است. نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید، نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۵۶-۲۵۵). ایشان با استناد به این آیه می‌فرماید: «ما در طول تاریخ مظلوم بودیم. از همه جهات مظلوم بودیم؛ و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم؛ و ظالم هم نباشیم. ما تعدی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم. تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم. لکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۲).

علاوه بر مبانی عقلانی و قرآنی، از دیگر مبانی مقابله با سلطه استعماری غرب در اندیشه امام خمینی(ره)، سیره عملی انبیا و ائمه(ع) است. برای نمونه تأکید دارد: «انبیا هم که مبعوث شدند، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آن، مردم را، ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۲۷).

امام خمینی(ره)، سلطه هژمونیک خارجی را اصلی‌ترین تهدید جوامع انسانی تلقی کرده و از همین روی، طرد نظام سلطه و همچنین رهایی ملل از یوغ وابستگی و ظلم را تنها از طریق انقلاب و مصادره قدرت سیاسی امکان‌پذیر می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۰). ایشان مبارزه با سلطه خارجی، انجام مبارزات استقلال خواهانه، بیگانه‌ستیزانه و آزادی خواهانه را برای تثبیت مبانی احکام اسلامی، حفظ فرهنگ و هنجارهای اسلامی ضروری دانسته و هدف از انجام مبارزات سیاسی را حفظ و تحقق احکام اسلامی عنوان می‌کند؛ ایشان در ضرورت مبارزه برای مصادره قدرت و قیام علیه مستکبرین عالم می‌فرماید «ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌کنیم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ روزگار براندازید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۷).

از دیدگاه امام خمینی(ره) یکی از وظایف دولت اسلامی تلاش برای اقامه عدل و نجات مظلومان جهان از دست ظالمان است. چنانچه در این رابطه می‌فرمایند: «... باید دولت اسلامی را، همه مردم، همه انسان‌ها، دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتوانند اقامه عدل بکنند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد، یعنی چون تابع اسلام است باید روی رویه اسلام باشد. روی رویه اسلام به همان دو معنا، به همان دو راهی که اسلام دارد، حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بینشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۹-۵۲۸).

رویکرد هنجارگرا و اخلاقی امام خمینی(ره) در دفاع از آزادی و نیز احقاق حقوق از دست‌رفته ملت‌های ستم‌دیده، همواره جزئی مهم از سیاست‌های اعلانی ایشان بوده است. او با اعتقاد به جوهره وجودی انسان - که همان «فطرت مخموره» و الهی بشر است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۶) - با رویکردی جهان‌گستر به دفاع از حقوق ذاتی انسان‌ها پرداخته و می‌فرماید: «ما برای احقاق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد ... ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان

جشن گرفته شود... برخیزید...؛ و سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست برنخواهند داشت» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۱).

امام خمینی (ره) همچنین با ظالمانه دانستن روابط استعماری بازیگران قدرتمند نظام سلطه با دیگر بازیگران حاشیه‌ای نظام، بر ضرورت تغییر در نظم و نظام بین‌المللی تأکید ورزیده و برخلاف رویکرد مادی‌گرا که قدرت را «آموزه‌ای ساختاری» و ریشه‌دار در موقعیت‌ها و روابط ساختاری می‌داند، وی قدرت را با رویکرد عرفانی، فلسفی و هستی‌شناسانه خود از «امهات صفات الهی و یکی از ائمه سعه» دانسته و قدرت سیاسی را محصور در تبعیت از اصول اخلاقی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۰۲). لذا، ایشان هرگونه هژمون و تفوق قدرت‌های استعماری را مردود شمرده و با تکیه بر قدرت نیروهای اجتماعی درصدد درهم شکستن هرگونه نظم تحمیلی از سوی قدرت‌های نظم‌ساز هستند.

۴- راهبرد عدم تعهدگرایی

تحقق عملی اصل و آرمان سلطه‌ستیزی مستلزم اتحاد و ائتلاف نیروهای ضد هژمونیک در سطوح فردی، دولتی و غیردولتی در ارتباط با نظم بین‌الملل است. به علاوه، مقابله با سلطه هژمونیک، نیازمند همکاری همه‌جانبه، آگاهانه و هدفمند جوامع نافی سلطه و بی‌عدالتی و نابرابری جهانی است. بر همین مبنا، سیاست خارجی مورد نظر امام خمینی (ره)، در پی تلاش برای تشکیل جبهه ضد استکباری و ضد سلطه است. این هدف در قالب راهبردهای امت‌گرایانه و استضعاف‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی متجلی شده است. بر این اساس، امام خمینی (ره) با توجه به سیاست نه شرقی- نه غربی و جمهوری اسلامی استراتژی ایران اسلامی را سیاست واقعی عدم تعهد می‌داند و تأکید می‌نماید که از این سیاست عدول نخواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۹)؛ چراکه دوام و قوام جمهوری اسلامی بر پایه این سیاست استوار است و در چارچوب همین سیاست، استقلال، آزادی، حمایت از محرومین و مستضعفان، مبارزه با ظلم و ستم و سایر نقش‌ها و اهداف جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد. لذا به همین دلیل است که امام خمینی (ره) در مقایسه انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها، یکی از ویژگی‌های اساسی آن را در سیاست لاشرقیه و لاغربیه می‌داند (ستوده، ۱۳۷۸: ۲۶۵).

در واقع، یکی از شاخص‌های اصلی در ارزیابی انتقادی سیاست خارجی ایران نسبت به فرآیندهای سیاست بین‌الملل در رویکرد عدم تعهد منتقدانه ظهور و تبلور یافته است به گونه‌ای که شاخص‌های هنجاری- ادراکی سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای جلوه‌هایی از راهبرد عدم تعهد، سازمان‌دهی و تبیین شده است که برخلاف دیگر کشورها، این رویکرد در سیاست خارجی ایران، از ماهیتی منفعلانه و لیبرال برخوردار نیست. به بیان دیگر، شاخص‌هایی از «عدم تعهد منتقدانه» را می‌توان در سیاست خارجی ایران مورد ملاحظه قرار داد که این رویکرد را نمی‌توان با جلوه‌هایی از بی‌طرفی و آنچه در جنبش عدم تعهد مورد توجه قرار می‌گیرد، مقایسه کرد. در واقع، عدم تعهد منتقدانه

دارای رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی بوده و بر اساس نشانه‌هایی از انتقاد نسبت به سیاست بین‌الملل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

بر این اساس، جهت‌گیری عدم تعهد منتقدانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های دینی آن تبیین کرد؛ بنابراین در حوزه سیاست خارجی ایران، مؤلفه‌های هنجاری به موازات عناصر عینی و ابزارهای قدرت مادی با یکدیگر در فضای تعاملی متقابل قرار می‌گیرند. طبیعی است که هرگونه بنیادگرایی منجر به جدال‌گرایی و مقاومت بیشتر در برابر شاخص‌های مسلط در سیاست بین‌الملل می‌شود. به بیانی: در چنین فرآیندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهایی قرار دارد که از جهت‌گیری عدم تعهد منتقدانه در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد (متقی، ۱۳۸۹: ۹۶-۱۹۵).

در نتیجه، نشانه‌های عدم تعهد منتقدانه در سمت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو ناشی از مؤلفه‌های ایدئولوژیک و رهیافت‌های راهبردی کشور است و از سوی دیگر، باید آن را واکنشی نسبت به تهدیدهای شکل گرفته از سوی سیاست بین‌الملل دانست. به گونه‌ای که کشورهایی که در معرض تهدید امنیتی و راهبردی قرار می‌گیرند، اغلب به اقدام‌ها و کنش‌های بنیادگرایانه مبادرت می‌نمایند. در واقع، راهبرد ائتلاف‌گرایی به‌عنوان یکی از الگوهای کنش انتقادی سیاست خارجی ایران، بر این باور تأکید دارد که سیاست خارجی عدم تعهد منتقدانه، جلوه‌های از سنگربندی در سیاست خارجی نسبت به جهان غرب و کشورهای متحد با آن و نیز در ائتلاف با بازیگرانی که در فضای انتقادی نسبت به آمریکا و جهان غرب قرار دارند را به نمایش گذاشته و ساماندهی می‌نماید (همان: ۲۰۵-۱۹۷).

۵- راهبرد عدالت‌گستری بین‌المللی

امام خمینی(ره) عدالت را منشأ دین، قانون، نظام سیاسی و اجتماعی می‌داند و از همین منظر با رویکردی میناگرایانه، در وهله نخست عدالت را صفت خدا و محور هستی عنوان کرده و در مورد انسان نیز آن را صفت یا حالتی معرفی می‌کنند که منطبق بر فطرت مخموره انسانی است. در واقع، امام خمینی(ره) عدالت را نه یک غایت فردی، گروهی و طبقه‌ای یا مکتب خاص بلکه یک غایت انسانی معرفی می‌کند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها و برای همه آدمیان مطرح است؛ بنابراین از دیدگاه ایشان، گرایش عدالت‌خواهی در نهاد افراد انسانی سرشته شده است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۳۵-۳۱۱). همچنین از آنجایی که جامعه متشکل از افراد انسانی است، جامعه نیز از نظرگاه ایشان موضوع عدالت قرار می‌گیرد و به تبع آن، کلیه شئون مرتبط با زندگی اجتماعی از جمله سیاست نیز ذیل مفهوم عدالت مورد نقد و نظر ایشان قرار می‌گیرد.

از همین منظر، در گفتمان اسلام‌گرایی، «عدالت» ارزش و عنصر کانونی هویت‌بخش برای جمهوری اسلامی ایران است. عدالت در هر دو وجه ایجابی و سلبی، ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران را از دیگر ملت‌ها و کشورها متمایز می‌سازد. در وجه ایجابی، مهم‌ترین ممیزه این دو، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری

است و در وجه سلبی نیز شاخص اصلی جمهوری اسلامی ایران، مبارزه با بی‌عدالتی و ظلم و ستم در سطح بین‌المللی است.

امام خمینی(ره) یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران را ایجاد قسط و عدل، بسط عدالت فردی و اجتماعی، جلوگیری از ظلم و جور، ایجاد حکومت قانون و اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل می‌داند. حمایت و طرفداری از مستضعفان، خدمت به ضعفا، رسیدگی به وضع محرومین و نجات آنان از زیر یوغ ستمگران، از بین بردن فقر و شکاف‌های طبقاتی در زمره گام‌های مورد نظر ایشان برای تحقق عدالت و وصول مستضعفان به حقوق حقه خویش تلقی شده است. لذا، عدالت در اندیشه امام خمینی(ره) و به تبع آن در سیاست خارجی نقشی کلیدی دارد.

از منظر امام خمینی(ره) عدالت و قسط دارای مفهوم گسترده و فراگیری است و تمام ابعاد وجود فرد و جامعه را در برمی‌گیرد. بدین‌سان، عدالت در ابعادی چون عدالت فردی، عدالت بین‌المللی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و... مورد توجه ایشان قرار می‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۸۱: ۵۴۵). به‌عنوان مثال در بحث عدالت‌گرایی در عرصه جهانی از منظر امام خمینی(ره) تنها راه برقراری صلح پایدار در جهان برقراری عدالت دانسته شده و به بیانی دیگر، عدالت جهانی پیش‌درآمد و مقدمه‌ای برای برقراری صلح پایدار جهانی معرفی شده است (جوادی ارجمند و حق‌گو، ۱۳۹۰: ۹۹). از همین رو، ایشان به‌طور بنیادین با نظم حاکم بر نظام جهانی مخالفت ورزیده و آن را ناعادلانه معرفی می‌دانند و درصدد تغییر نظم موجود بین‌المللی هستند.

نتیجه‌گیری

رهیافت سیاست خارجی امام خمینی(ره) در بُعد نظری با موانع و محدودیت‌هایی از حیث ماهیت نظریه‌های روابط بین‌الملل و نیز ماهیت انقلابی و اسلامی نظام سیاسی مواجه است، در نتیجه، برای تبیین و درک شایسته دیدگاه امام خمینی(ره) در باب سیاست خارجی باید الگوی نظری و تبیینی مناسبی ارائه گردد. در این ارتباط، ابعاد معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه، روش‌شناسانه و انسان‌شناسانه جهان‌بینی امام خمینی(ره) نقش مهم و بنیادینی دارد و می‌توان با استفاده از آن امکان ارائه و استخراج اصول کلی حاکم بر نظریه سیاست خارجی موردنظر او را در ابعاد تصمیم‌گیری و منطق اقدام و نیز ویژگی ارزشی، هنجاری و انتقادی حاکم بر آن، فراهم نمود.

از این منظر، رهیافت سیاست خارجی امام خمینی(ره) در بعد معرفت‌شناسانه خود، در تبیین با رویکردها و نظریات سنتی موجود در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است؛ چراکه او اساساً با جهان‌نگری الهی و با تأکید بر مجموعه‌ای از منابع معرفت‌ساز همچون عقل، شهود و وحی سعی در ارائه الگوی متفاوتی از شناخت‌شناسی اندیشه سیاسی دارند. به‌واسطه حضور چنین عناصری در دیدگاه نظری شاهد آن هستیم که ایشان بر لزوم کاربرست الگوی عقلانیت متعالیه، روش اجتهادی - استنباطی در حوزه روش شناخت و پرهیز از نگاه تک‌بُعدی و تک‌ساحتی نسبت به سیاست خارجی تأکید دارد. تأکید بر این عوامل

موجب شکل‌گیری الگوی تصمیم‌گیری و رفتاری متمایزی در عرصه سیاست‌ورزی در حوزه روابط داخلی و خارجی می‌گردد که آن را متمایز از دیگر الگوهای موجود و تا حدودی مشابه با نظریات هنجاری و انتقادی حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌کند.

الگوی سیاست خارجی مورد نظر امام خمینی(ره) در بُعد تصمیم‌گیری و اقدام از تفاوتی مبنایی با دیگر رهیافت‌های موجود سیاست خارجی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که او بر اساس اصول و مبانی فرا نظری برآمده از جهان‌بینی دینی و الهی خویش، نگاهی امت‌محور، انتقادی و هنجاری به روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دارند. چنانچه از منظر فقهی نیز از نظر او، جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود و لذا قرائت ایشان از الگوی روابط مبتنی بر نگاه امت‌محوری مفروضات اولیه نظم و نظام جهانی موجود را که بر اساس دولت‌محوری مبتنا یافته است زیر سؤال می‌برد. از سوی دیگر او تأکید بر راهبردهای عدالت‌گستری بین‌المللی، دفاع از مظلومان، عدم تعهدگرایی و امت‌محوری و نظایر اینها، به ارائه سیاست خارجی ارزش‌محور، آرمان‌گرا و در عین حال مبتنی بر واقعیت‌های غیرقابل‌باور می‌پردازد.

از همین رو، امام خمینی(ره) ساختار نظام بین‌الملل را ناعادلانه، تحت حاکمیت منطق قدرت‌های بزرگ و فاقد قدرت فائقه مرکزی می‌دانند که موجب شده است جهان به دو اردوگاه مستضعفین و مستکبرین انقسام بیابد. به همین دلیل و برای رفع نارسایی‌های موجود در نظام بین‌المللی معاصر، شاهد تأکید ایشان بر لزوم کاربست الگوهای مقاومت در مقابل جریان پیشینه‌طلب و استکباری حاکم است و رهایی بشر از یوغ سلطه هژمونیک و نفوذ آن را از اهداف سیاست خارجی مورد نظر خود معرفی می‌کند و برای دستیابی به این مهم سیاست خارجی دولت اسلامی را بر محوریت اصولی چون اصل کرامت انسانی، اصل نه شرقی - نه غربی، فراملی‌گرایی، جهان‌اسلام‌گرایی، رسالت‌مداری، سلطه‌ستیزی، عدم تعهدگرایی جهانی، عدالت‌طلبی و نیز صدور ارزش‌ها و باورهای انقلاب به دیگر جوامع بشری بنا می‌کند. در نتیجه، کلیه سمت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه امام در حوزه سیاست خارجی متأثر از ارزش‌های دینی و نگرش‌های فلسفی - اخلاقی او بوده و در نهایت آنچه به تصمیم‌گیری و کنش بازیگران در عرصه سیاست خارجی شکل می‌بخشد، اصل مسئولیت و تکالیف انسانی - الهی انسان است.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۶)، «اصول‌گرایی و شرایط متحول سیاست خارجی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره)»، ماهنامه زمانه، شماره ۵۵.

- پروانه، محمود (۱۳۸۸)، «صدور انقلاب به‌مثابه نقشه راه جهان‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، انسان پژوهی دینی، شماره ۱۹: ۱۸۴-۱۷۱.
- تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷: ۶۱-۸۰.
- توحیدی، علی اصغر (۱۳۸۱)، *قرانت امام خمینی(ره) از سیاست، تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.*
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۱)، *نظریه عدالت، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.*
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «امام خمینی و تکلیف‌گرایی در جنگ»، نگین ایران، دوره اول، شماره ۴، بهار: ۵-۱۹.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و حق‌گو، جواد (۱۳۹۰)، «عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی(ره) و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل»، مطالعات انقلاب اسلامی، ۸ (۲۶): ۱۱۸-۹۳.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶)، *شرح دعای سحر*، ترجمه: سید احمد فهری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ سوم.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره)». مجله سیاست خارجی، ۱۳ (۲): ۵۶-۳۳۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی رهایی‌بخش: نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست خارجی، ۲۲ (۲): ۲۸-۳۰۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹ الف)، «اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل: رویکردی فرا نظری»، در مجموعه مقالات «اسلام و روابط بین‌الملل»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹ ب)، «مبانی فرا نظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۲ (۶): ۹۶-۴۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۸)، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، دانش سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۰: ۵۰-۱۲۳.
- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۸ الف)، «درک سیاست خارجی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱ (۱): ۲۰-۱۱.
- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۸ ب)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱). «گفتمان امام خمینی(ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی». فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۵: ۶۶-۷.
- ستوده، محمد (۱۳۷۸)، «امام خمینی(ره) و مبانی نظری سیاست خارجی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲، سال ۲، شماره ۵: ۲۶۰-۲۷۷.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۲)، «تبیین‌پذیری رویکرد سیاست خارجی انقلاب اسلامی در پارادایم‌های اصلی روابط بین‌الملل»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸: ۲۳-۱.

- طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۸)، «امام خمینی(ره) و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، ۱(۱): ۷۷-۱۱۱.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)، «امنیت‌مداری در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی(ره)»، فصلنامه دانش سیاسی، ۴(۳): ۱۲۸-۹۳.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۵۸)، با اصلاحات ۱۳۶۸.
- کاکایی، عباس و سالاری، مریم (۱۳۹۲)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۸)، *زبان سیاسی اسلام*، ترجمه غلامرضا بهروزلک، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضد نظام سلطه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰: ۱۷۹-۲۱۰.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، *آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ج.ا.ایران*، تهران: دانشکده وزارت خارجه.
- ملکی، عباس (۱۳۸۵)، «کندوکاوها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مفاهیم مطرح و فرآیند انجام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد توسعه، شماره ۵: ۸۶-۵۳.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۱)، *تحریر الوسیله* (ترجمه فارسی)، نرم‌افزار مجموعه آثار حضرت امام خمینی(ره)، تهران: ستاد بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره).
- یاقوتی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵(۱): ۲۸-۱.
- یزدانی، عنایت‌الله و اخجسته، جمیل (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه انقلاب اسلامی، ۱(۳): ۸۶-۵۹.